بسم الله الرحمن الرحیم

**ایران میراث در خطر: باستان شناسی و *میراث فرهنگی از منظری بلند مدت***

**عمران گاراژیان**

**مقدمه**

سازمان عریض و طویل **میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری** پیشینه ای به اختصار **شعبه عتیقات** در دولت فخیمه قاجار دارد. این شعبه­ی دولتی چنانکه از نامش اش پیداست به مسئله و معضل عتیقات رسیدگی می کرده! معضلی وارداتی که در فرآیند تجّدد وارد خاورمیانه شده و در بین مردم و طبقات بالای سیاسی- اجتماعی فراگیر شد. آنگاه که شاهان قاجار خود پیشروان تجسس عتیقات بودند از خارجی و داخلی گرفته تا دولت های استعمارگر چشم طمع به گنجینه های سرزمین ایران دوخته بودند. دولت فخیمه در اواخر دوران قاجارها در اقدامی ناسنجیده امتیاز کاوش در تمام ایران را برای پنجاه سال به دولت فرانسه واگذار کرد. این اقدام روشنفکران و ملی گرایان را به واکنش واداشت: که تاراج میراث نیاکان به مصلحت سرزمینی چون ایران نیست! همزمان با جابجایی قدرت بین احمد شاه قاجار و رضاخان، شاه تازه بر تخت نشسته ایران و مشاوران اش نارضایتی ملی گرایان و روشنفکران بطور کلی جامعه ایران را تیزبینانه رصد می کردند. در نتیجه در سال های دهه­ی نخست همین قرن (1300 خورشیدی) مجلس ملی ایران انحصار امتیاز کاوش پنجاه ساله فرانسویان را لغو کرد. قانون عتیقات را به تصویب رساند و به زعم خویش دست استعمارگران و یغماگران را از میراث نیاکان در ایران کوتاه کرد. این اقدامی فرهیحته بود و قانون عتیقات هنوز که هنوز است پس از هشتاد سال (آیین نامه های اجرایی این قانون مصوب آبان ماه 1311 خورشیدی است) محل رجوع و مورد استفاده است. البته استعمار به شکل دیگر یعنی با مهره چینی در ساختار دولت منافع خود را در ایران پی گرفت و طبق قراردادی "آندره گدار" را در راس امور اداری- اجرائی باستان شناسی ایران گذاشت. اما سه تجربه پس از تصویب و اجرای قانون عتیقات، کسر و کمبودهای آن را نشان داد. اول فراگیر شدن حفاری های مجاز و غیر مجاز، تجارتی و علمی، بوسیله خارجیان(تصویر) و مردم ایران در داخل بود. دوم نبود کارشناسان و متخصصان داخلی با دانسته های روزآمد که در قانون عتیقات نظارت شان برای تامین منافع ملی پیش بینی شده بود، اما در ایران چنین کارشناسانی وجود خارجی نداشتند. سوم نادیده گرفتن مردم ایران به عنوان بافت اجتماعی زنده پیرامون آثار و فعالیت های باستان شناسی در حال انجام است. به نظر می رسد انحصار گرایی دولت در مدیریت و بهره برداری از عتیقات مردم را به واکنش واداشته بود! **این هر سه کسر و کمبود، مانند خود قانون عتیقات تا دهه­ی پایانی قرن حاضر(1390 خورشیدی) هنوز پابرجاست و در نتیجه آن هدف اصلی از فعالیت های علمی – فرهنگی در مورد میراث فرهنگی به حاشیه رفته است. در این مقاله راهکارهایی برای کسر و کمبود های یاد شده مد نظر قرار گرفته است.**

**زمینه های تاریخی**

الف) در دو دولت پهلوی­ها شعبه عتیقات به دایره و اداره، همچنین اداره کل باستان شناسی در ساختار دولت ارتقاء پیدا کرد. اداره کل باستان شناسی و حفاظت آثارتاریخی از هم تفکیک شدند. در نهایت مرکز باستان شناسی و مرکز حفاظت آثار تاریخی شکل گرفتند. در کنار دولت و فعالیت های انحصاری دولت ها بخش مردمی هرچند از نظر دولت غیرقانونی و غیرمجاز دانسته می شد اما به فعالیت های فراگیر خود در همه بخش ها و مناطق ادامه می داد. حفاری های غیرمجاز ده­ها برابر کاوش­های علمی در ایران بوسیله طیف­هایی از مردم انجام می شود. انگیزه­های این فعالیت ها متکثراند از سودجویی اقتصادی تا کنُجکاوی و حتی احقاق حق در مقابل دولت های انحصار طلب، توجیه هایی است که بوسیله دست اندرکاران آورده می شود. واقعیت حفاری­های غیر مجاز را نمی توان انکار کرد و لازم است در گام اول بجای انکار، پذیرفته و برای صدمات جبران ناپذیر آن راهکارهای عملی اندیشیده **شود. این مهلکه ای است که ریشه در دوره قاجارها و مناسبات استعماری جهانی دارد و مادامیکه هست به عینه سیاست های دولتی از شعبه عتیقات (قبل از 1300) تا سازمان عریض و طویل میراث فرهنگی را در حفاظت و صیانت از آثار باستانی و فرهنگی - تاریخی ناکارآمد معرفی می کند.**

ب) بهره برداری دولت­ها از آثار باستانی و میراث فرهنگی از زمانی که این موضوع مطرح بوده تا امروز به شکل های مختلف همچنان پیگیری می شده. دولت­های قاجاری اضافه بر امتیازهای خارجی از مجوزهای داخلی نیز مالیات می گرفتند. پهلوی دوم با پیش زمینه ملی گرایی پهلوی اول که ریشه در مسائل سرزمینی دوران قاجارها دارد، ملی گرایی را برای جبران بحران مشروعیت با استفاده از گذشته و میراث فرهنگی - تاریخی مورد بهره برداری قرار داد. این **بهره برداری سیاسی که در نهایت منجر به سازماندهی جشن های دو هزار پانصد ساله در تخت جمشید فارس شد، اکنون به مثابه میراث منفی ارزیابی می شود**. **میراثی که یکسویه نگری و نگرشی تک خطی به استفاده از گذشته و میراث فرهنگی را پایه ریزی کرده و با قراردادن بخش هایی از گذشته تاریخی در مقابل بخش های دیگر زمینه­های گسست در نگرش فرهنگی را پدیدآورد.**

پ) مسئله بلند مدت دوم در زمینه میراث فرهنگی از شعبه عتیقات تا سازمان میراث فرهنگی شیوه های بهره برداری دولت ها از آن است. شیوه های آزمایش شده قابل ارزیابی است و عمده­ترین نتیجه اجتماعی آن موضع گیری مردم در مقابل بهره برداری های دولت ها به شیوه های مختلف بوده است.

 در طول ده سال نخست انقلاب اسلامی ، دولت، حاکمیت و مردم ایران سال های سخت جنگ را پشت سر گذاشتند. در این سال­ها فعالیت­های هیئت­های باستان شناسی خارجی در واکنش به سیاست های پهلوی دوم ممنوع شد. زیرفشار جنگ، نجات میراث فرهنگی مناطق متاثر از جنگ در دستور کار قرار گرفته بود. با شروع سال های سازندگی مدخل بهره برداری از میراث فرهنگی دوباره گشوده شد. در سال های پایانی جنگ آنچه تحت عنوان سازمان میراث فرهنگی شناخته می شود از تصویب مجلس گذشته و تاسیس شد. عمده قوانین تصویب شده برای حمایت از میراث فرهنگی در دولت دوم سازندگی مصوب شده اند. در همین **دولت سازندگی نظریه بهره برداری از میراث فرهنگی در راستای گردشگری مطرح بود.**

**دولت های اصلاحات نگرشی نو و بینادی به موضوع میراث فرهنگی داشتند. نگرشی فرهنگی که بهره برداری اقتصادی را مد نظر قرار نمی داد و میراث فرهنگی را به عنوان پایه و اساس فرهنگ مورد توجه قرار می داد. برای دولت یازدهم بینآبین این دو رویکرد پیشنهاد می شود.**

ت) در طول سال های دولت های سازندگی و اصلاحات سازمان میراث فرهنگی چندین و چند بار تغییر نام و تغییر جایگاه در ساختار حاکمیت سیاسی ایران را تجربه کرد. این سازمان پس از تاسیس بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم دست به دست می شد در نهایت میراث فرهنگی و گردشگری در اواخر مجلس ششم ادغام و به سطح معاونت ریاست جمهور در ساختار دولت ارتقا پیدا کرد. ادغامی که برای سازمانی تخصصی و علمی چون میراث فرهنگی فاجعه سیاست زدگی یکباره را به ارمغان آورد. در ساختار جدید پژوهشگاه جایگزین معاونت پژوهشی شد و نامتجانس بودن بخش های سه گانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بیش از پیش ساختار اولیه سازمان میراث فرهنگی سابق که میراث سال ها جنگ تحمیلی بود را به هم ریخت. **بخش های مختلف، پس از ادغام نامتجانس بودند و جابجایی های مکرر(حتی در زمان پهلوی ها) در نسبت این بخش با ساختار دولت نشان می دهد که در ساختار حاکمیت های سیاسی ایران جایگاه میراث فرهنگی معلق و اصولا بطور تخصصی و فرابخشی مطالعه نشده است.**

ث) آموزش در هر زمینه ای پایه است و در بلند مدت نتاج آن پدیدار می شود. آموزش به معنی عام آن مد نظر است و در چند سطح قابل بررسی است. آنچه در زمینه میراث فرهنگی و خصوصا فعالیت­های باستان شناسی در ایران روی داده، آموزش برنامه ریزی شده نیست بلکه رابطه ای استعماری است که بین هیئت های باستان شناسی و جامعه ایران اتفاق افتاده است. سئوال ها و مسائل از بافت دیگری گرفته می شده، انتشارات برای بافت جامعه جهانی یا قشر محدودی در جامعه فرهنگی ایران انجام می شده است. نتیجه عملی چنین فرآیندی در طول بیش از یک صد و پنجاه سال گذشته بافت جامعه ایران است که **فعالیت های باستان شناسی و میراث فرهنگی را با ذهنیت و نظریه­ها و کاربری های قرن هفدهم اروپا می شناسد.**

موزه ها مثال بارزی هستند در اکثر مناطق دنیا موزه ها موسسه های آموزشی هستند که با روش های روزآمد و استفاده از نمایشگاه ها آموزش در زمینه میراث فرهنگی را برعهده دارند. در ایران موزه ها دو کاربری عمده دارند: انبارهای برای آثار باستانی یا عتیقه ها و نمایشگاه هایی دائمی که در راستای کسب درآمد اداره می شوند.

**پیشنهادات**

1. همگرایی دولت و ملت در موضوع میراث فرهنگی از طریق آموزش فراگیر و مدیریت و نظارت بر سازمان های غیر دولتی مردم نهاد به منظور فائق آمدن بر معظل تاریخی حفاری های غیرمجاز پیگیری خواهد شد.
2. سازماندهی به عنوان بخشی بینادی و مستقل به عنوان بخشی دولتی و البته زیر نظر و نظارت مستقیم مجلس پیشنهاد دوم است. آسیب شناسی سازماندهی میراث فرهنگی به عنوان معاونت ریاست جمهوری در دولت دهم نشان داد که نظارت مجلس در این شرایط عملا اعمال نمی شود در نتیجه **سازماندهی آن با مجموعه های همگن بصورت وزارت خانه پیشنهاد می شود.**
3. استاندارد کردن آموزش و مطابقت آن با استانداردهای جهانی در رشته های مرتبط خصوصا باستان شناسی و مرمت و سازماندهی نظری در راستای کلیتی منسجم که از طریق کمیته ای کاری و مشترک با **وزارت علوم تحقیقات و فن آوری پیشنهاد می شود.**
4. متخصصان انگشت شماراند و مدیران سیاسی بدون تخصص در سال های گذشته ساختار و نسبت های سازمان میراث فرهنگی را از بین برده اند. اکنون تخصص گرایی همراه با مدیران سیاسی مرتبط به اضافه بخش های واسط بین رویکردهای تخصصی و رویکردهای مردمی است. در این راستا فعالیت گروه ها و صنوف تخصصی زیر نظر و تحت نظارت دولت پیشنهاد می گردد. **پژوهشکده ها و آموزشکده های با حمایت بخش خصوصی بصورت کالج ها و آموزشکده ها پیشنهاد می شود.**
5. ارتقاء جایگاه پژوهشگاه میراث فرهنگی به سطوح بالادستی دولت به عنوان رابطی بین میراث فرهنگی و دیگر نهادهای دولتی در کنار بازگشت معاونت پژوهشی به عنوان بخشی پایین دستی در سازمان مرکزی و استان ها و شهرستان ها پیشنهاد می گردد. **سازماندهی پژوهشکده­هایی بیرون از ساختار سازمان و با مجوز پژوهشگاه در موضوعات مرتبط** که با هدایت متخصصان پژوهش های بینادی توسعه ای و کاربردی در ارتباط با میراث فرهنگی از بودجه های سازمان های دیگر و نهادهای دانشگاهی و پژوهشی انجام می دهند، پیشنهاد می گردد.
6. بطور کلی برداشت تک خطی از میراث فرهنگی و استفاده از آن به عنوان مقوم هویت ملی لازم است اما کافی نیست!. **متناسب با تکثر گرایی معاصر سازماندهی میراث فرهنگی بسوی برداشت های متکثر کاربردی، بنیادی و توسعه ای جامعه ایران را از برداشت های متعصبانه و تاریخ گذشته دور خواهد کرد**.

**اولویت بندی و زمان بندی پیشنهادات**

**کوتاه مدت:** تجدید سازماندهی اداری و چارت مدیریتی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که پس از انتقال از تهران و بازگشت مجدد و تصمیمات ناکارشناسانه فروپاشی را از سرگذرانده پیشنهاد می شود. در این راستا و بعنوان گذار به ساختار پایدار **سه بخش کاملا مستقل بصورت میراث فرهنگی، صنایع درستی و گردشگری پیشنهاد می شود.**

سازماندهی سازمان های غیر دولتی مردم نهاد زیر نظر متخصصان مدیریت منابع فرهنگی به عنوان بخش واسط بین مردم و متخصصان در کوتاه مدت زمینه برهمکنش های تخصصی و کاربردی را فراهم می کند. این بخش نیز در ساختار بالادستی پیشنهاد می گردد.

ارتباط سازنده با دانشگاه و وزارت علوم تحقیقات و فن آوری در راستای کاربردی و استاندارد نمودن رشته های مرتبط با میراث فرهنگی با محوریت پژوهشگاه در کوتاه مدت پیشنهاد می شود.

**میان مدت:** جایابی و تثبیت جایگاه میراث فرهنگی در ساختار حاکمیت و دولت در ارتباط با مجلس در میان مدت پبشنهاد می گردد. این موضوعی بینا رشته ای و چند رشته ای است که برای آن حداقل دوسال پژوهش پیش بینی می شود. **نتیجه این مرحله پیشنهاد میراث فرهنگی به عنوان بخشی از یک وزارت خانه است که تحت نظارت مجلس قرار گیرد.**

برنامه ریزی برای از بین بردن دید پلیسی و امنیتی نسبت به میراث فرهنگی نیازمند برنامه ریزی میان مدت در هیئت دولت و با همکاری صدا و سیما است. بازنگری در آموزش رشته های مرتبط سرفصل ها و طراحی تکثرگرایی در این رشته ها مرتبط و در مقاطع پایه پیشنهاد می شود. آموزش های عمومی برای جامعه ایران نیاز اساسی است که نهادهای غیر دولتی مردم نهاد و موزه ها می توانند این مهم را سازماندهی کنند.

بومی کردن دانش های مرتبط خصوصا باستان شناسی و تاسیس رشته های نوین مرتبط پایه ریزی همکاری های بین المللی با موسسات معتبر درمیان مدت پیشنهاد می شود. نظارت بوسیله متخصصان بر بخش های خارجی و ارتباط با کشورهای دیگر از طریق تاسیس پژوهشکده های بیرونی و مشترک ذیل ساختار پژوهشگاه این مهم قابل اجرا است. **پژوهشکده های نیمه مستقل که با نظارت پژوهشگاه و در سطح بین المللی و منطقه ای فعالیت می کنند.**

 بازنگری قوانین و پیشنهاد لوایح در برهمکنش با مجلس در میان مدت برای پوشش دادن خلاء های قانونی موجود نیازمند توجه ویژه هر سه قوه است.

**بلند مدت:** بازنگری ساختاری در آموزش و پرورش و پیشنهاد افزودن موضوع میراث فرهنگی در مقاطع ابتدائی تا دبیرستان، پایه ریزی تفاهم بین دولت و ملت و از میان برداشتن انحصارهای دولت در بخش میراث فرهنگی همچنین واگذاری نظارت­ها به مجموعه های تخصصی متکی بر نهادهای غیر دولتی مردم نهاد پیشنهاد می شود. پایه ریزی برای تئوری های پویا و تکثرگرا بجای برداشت های تک خطی از میراث فرهنگی ایفای نقش در مقیاس منطقه ای و جهانی براساس میراث فرهنگی با برداشت های بومی شده نه برداشت­های وارداتی از طریق گروه های اموزشی دانشگاه ها پیشنهاد می گردد .

بومی کردن همه دانش ها خصوصا دانش های مرتبط با میراث فرهنگی و پایه ریزی بومیت ها در زمینه های توسعه و توسعه پایدار با تاکید بر فرهنگ بومی ایفای نقش در دهکده جهانی پیشنهاد های بلند مدت و بینادی است.

1. **ساختار پیشنهادی برای دوران گذار به وزارت خانه**

1. **ساختار پیشنهادی میراث فرهنگی به عنوان بخشی مجزا (ذیل ساختار یک) در کنار گردشگری و صنایع دستی**

تصاویر(1 و2) مصطفوی ، سید محمدتقی؛ **تلاش در راه خدمت بآثار ملی و امید بآینده**، چاپخانه بانک ملی ایران، 1334